

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ گلچینی از آیات قرآن و سخنان حکیمانه سه سال نخست متوسطه را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲ متن شعر عربی معروف الرّصافی را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۴ شبیه متن مکالمه درس (الْتَّعَارُفُ فِي مَطَارِ النَّجْفِ الْأَشْرَفِ) را در کلاس به همراه هم‌کلاسی‌هایش اجرا کند.
- ۵ معنای ضمایر را بداند و کاربرد آنها را در جمله تشخیص دهد.
- ۶ اسم‌های مفرد، مثنی و جمع را در جمله تشخیص دهد.
- ۷ ساختار جمله‌های دارای اسم اشاره به دور و نزدیک را درست تشخیص دهد.
- ۸ با کلمات پرسشی «هل، أ، أَيْنَ، مَنْ، مَنْ هُوَ، مَنْ هِيَ»، ما (ما هُوَ، ما هِيَ، ماذا)، کم، لِماذا، متی و کیف پرسش و پاسخ انجام دهد (تمرین سادس).
- ۹ فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل را در جمله تشخیص دهد و ترجمه کند.
- ۱۰ نام رنگ‌های اصلی را در حالت عمومی (مذکر) بیان کند.
- ۱۱ نام روزهای هفته و فصل‌ها را از حفظ بگوید.
- ۱۲ کلمات مترادف و متضاد را تشخیص دهد.
- ۱۳ کلمات پرکاربرد عربی پایه هفتم، هشتم و نهم را درست ترجمه کند.
- ۱۴ در مهارت ساعت‌خوانی ساعت کامل، ربع و نصف را بیان کند.
- ۱۵ عددهای اصلی را از یک تا دوازده و ترتیبی را از یکم تا دوازدهم از حفظ بگوید.

متن درس شعری شاد و دارای پیام والا است. شایسته است متن شعر با استفاده از کتاب گویا برای دانش‌آموزان اجرا گردد. وزن شعر از بحر رَجَز است؛ (مُسْتَفْعَلُنْ مُسْتَفْعَلُنْ) دانش‌آموزان می‌توانند آن را در کلاس نیز اجرا کنند. نمابندی (کلیپی) از این شعر در لوح فشرده‌ای که به معلم‌مان داده می‌شود وجود دارد. اگر به هر دلیل دسترسی به لوح امکان نداشت به راحتی می‌توان این کلیپ را در سامانه رشد یا شبکه‌های اجتماعی، یا با جست‌وجو در اینترنت یافت.

همابندی در ترجمه متن درس

أَنْظُرُ لِنَبَاتِكَ الشَّجَرَةَ / ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةَ:

به آن درخت دارای شاخه‌های تر و تازه بنگر.

كَيْفَ نَمَتَتْ مِنْ حَبَّةٍ / وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً:

چگونه از دانه‌ای روییده و درختی شده است؟

فَأَبْحَثُ وَ قُلُّ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ:

جست‌وجو کن و بگو چه کسی میوه را از آن بیرون می‌آورد؟

وَ أَنْظُرُ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي / جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةَ:

و به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است بنگر.

فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا / حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ:

در آن نور هست و به کمک آن گرمای پراکنده هست.

مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ:

چه کسی آن را در فضا همچو پاره آتش پدید آورد؟

ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ مَرَّةً: آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ / وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ: دارای دانش (حکمت) کامل و نیروی توانایی است.

أَنْظُرُ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ:

به شب بنگر؛ چه کسی ماهش را در آن پدید آورده است؟
و زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ: و با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست؟
(زینت داد)

وَ أَنْظُرُ إِلَى الْعِيمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ: و به ابر بنگر؛ چه کسی بارانش را از آن فرو
فرستاد؟ (نازل کرد)
فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْتِرَابِ خَصْرِهِ: و زمین را پس از تیره رنگی (غبارآلودگی) سرسبز
ساخت؟

وَ أَنْظُرُ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلِّ مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصَرَهُ: و به انسان بنگر و بگو چه کسی بینایی را
در او پدید آورده است؟ (شکافت)

مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَهُ: چه کسی او را به نیرویی اندیشمند مجهز کرد؟
ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ: آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

مَعْرُوفُ الرَّصَافِيِّ كَهَ الرَّصَافِيِّ وَ حَتَّى الرَّصَافِيِّ هَمَّ كَقْتَهُ شَدِيدٌ اسْت.

مَعْرُوفُ الرَّصَافِيِّ (۱۲۹۲ - ۱۳۶۵ هـ / ۱۸۷۵ - ۱۹۴۵ م) آکادیمی و شاعر عراقی؛ عَمِلَ
فِي حَقْلِ التَّعْلِيمِ وَ لَهُ عِدَّةٌ إِصْدَارَاتٍ شَعْرِيَّةٍ، بُنِيَ لَهُ فِي بَغْدَادِ تِمْتَالٌ لِمَجْمِيدِهِ. وُلِدَ فِي
بَغْدَادِ عَامَ ۱۸۷۵ م، مِنْ أَبٍ كُرْدِيٍّ النَّسَبِ وَ أُمِّ تَرْكَمَانِيَّةٍ، وَ نَشَأَ فِيهَا، دَرَسَ عَلَى عُلَمَاءِ
بَغْدَادِ الْأَعْلَامِ، ثُمَّ اتَّصَلَ بِالشَّيْخِ الْعَلَامَةِ مُحَمَّدِ شُكْرِيِّ الْأُوسِيِّ وَ لَازَمَهُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً،
وَ تَخَرَّجَ عَلَيْهِ وَ كَانَ يَرْتَدِي الْعِمَامَةَ وَ زِيَّ الْعُلَمَاءِ وَ سَمَّاهُ شَيْخَهُ الْأُوسِيَّ (مَعْرُوفُ الرَّصَافِيِّ)
لِيَكُونَ فِي الصَّلَاحِ وَ الشُّهُرَةِ وَ السُّمْعَةِ الْحَسَنَةِ، مَقَابِلًا لِمَعْرُوفِ الْكُرْخِيِّ. اِمْتَاذَ أُسْلُوبِ
الرَّصَافِيِّ بِمِثَالَةِ لُغَتِهِ وَ رِصَانَةِ أُسْلُوبِهِ، وَ لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَالشَّعْرِ وَاللُّغَةِ وَالْأَدَابِ
أَشْهَرُهَا دِيْوَانُهُ "دِيْوَانُ الرَّصَافِيِّ" حَيْثُ رَتَّبَ إِلَى أَحَدِ عَشْرِ أَبَا فِي الْكُونِ وَالِدِينَ وَالْاجْتِمَاعِ
وَالْفَلَسَفَةِ وَالْوَصْفِ وَالْحَرْبِ وَالرِّثَاءِ وَالتَّارِيخِ وَالسِّيَاسَةِ وَعَالَمِ الْمَرْأَةِ وَالْمَقْطَعَاتِ الشَّعْرِيَّةِ
الْجَمِيلَةِ.

هماهنگی در ترجمه چند جای حوار درس اوّل و چند توضیح

﴿ أَسْلَمَ عَلَيْكُمْ. وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. ﴾ نیازی به ترجمه ندارد. (درود بر شما. درود و مهر و برکت‌های خدا بر شما باد).

﴿ أَنَا بِخَيْرٍ. خَوبِم. ﴾

﴿ تَرْكِبُ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ ﴾ به صورت جُمْهُورِيَّةِ إِيرَانَ الْإِسْلَامِيَّةِ و الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي إِيرَانَ نيز درست است.

﴿ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ مَعَادِلُ فَارْسِي أَنْ «اسم شريف شما چيست؟» است. ﴾

واژگان

یادگیری کلمات جدید درس در دل متن و عبارت صورت می‌گیرد. از پرسیدن معنای کلمه در آغاز درس و نیز خارج از جمله خودداری کنید. اگر برای یادگیری بهتر و سرعت در کار تصمیم دارید که معنای کلمه بپرسید، از نمره دادن خودداری کنید؛ زیرا معنای کلمه باید در جمله خواسته شود.

سخنان حکیمانه

جملات حکیمانه درس اوّل از احادیث پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی عَلِيٌّ است. سعی شده است تا فرایند ترجمه این عبارات تنوع داشته باشد. سخنان حکمت‌آمیز را دانش‌آموزان می‌خوانند و ترجمه می‌کنند. معلّم در اینجا نقش راهنما و مصحّح دارد.

اعلموا

در کتاب عربی زبان قرآن رشته ادبیات و علوم انسانی نام صیغه‌های فعل‌ها مطابق دستور زبان عربی آمده‌اند. این کار در کتاب عربی مشترک زبان قرآن انجام نشده است. در کتاب مشترک عربی زبان قرآن صرف فعل بر مبنای بومی‌سازی است. در کتاب عربی زبان

قرآن مشترک نیازی نیست که در ارزشیابی، صیغۀ افعال سؤال شود. حتی شکل فارسی نیز مورد نظر نیست؛ مثلاً در مورد فعل ذَهَبَ نیازی نیست؛ دانش آموز پاسخ دهد مفرد مذکر غایب است، یا سوم شخص مفرد.

خلاصه هرچه دانش آموز در عربی هفتم تا نهم خوانده، در تمریناتی متنوع طراحی شده است. هدف از قواعد کمک به ترجمه است.

همانند کتاب درسی عربی هفتم، هشتم و نهم در کتاب دهم نیز هدف تا پایان کتاب این است که دانش آموز بتواند درست بخواند و درست ترجمه کند و جمله‌ای را که معلّم بر زبان می‌آورد درست بشنود، و از آنجا که یکی از دو هدف آموزش درس عربی کمک به زبان و ادبیات فارسی است باید بتواند در درس فارسی به او کمک کند.

تمرین‌ها

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی سعی شده است تا:

تمارین درس ساده باشد تا دانش‌آموز از حل آن لذت ببرد.

شایسته است دبیر ارجمند برگ‌های مخصوص قرائت دانش‌آموزان داشته باشد و هر بار که کسی عبارتی، یا تمرینی را می‌خواند در آن علامت بزند تا عدالت آموزشی در این باره اجرا شود.

برای حل تمرینات نیازی به دفتر پاک‌نویس نیست. در کتاب درسی جای جواب پیش‌بینی شده است.^۱

این کار موجب می‌شود دانش‌آموز کمتر خسته شود و فرصت کافی برای مهارت شفاهی زبان داشته باشد.

حل تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است و نقش معلّم، نظارت و تصحیح است. به منظور صرفه‌جویی در وقت کلاس تمرینات به گونه‌ای طراحی شده است که معلّم بتواند در سه جلسه درس اول را به پایان برساند.

۱- در امتحان شفاهی به راحتی می‌توان از کتابی دست نخورده استفاده کرد. برخی می‌گویند اگر دانش‌آموز پاسخ را در کتاب بنویسد روز امتحان نمی‌تواند خودآزمایی کند؛ اما چنین نیست با چیزی شبیه یک تکه کاغذ یا خط‌کش به راحتی می‌توان روی پاسخ‌ها را گرفت.

تمرین اول، دوم و سوم (در هر دو کتاب): در این سه تمرین چند آیه شریفه و نیز مهم‌ترین سخنان حکمت‌آمیز عربی پایه‌های هفتم، هشتم و نهم برای تقویت مهارت ترجمه‌گزینش شده است. جملات این تمرین‌ها را می‌توان در زندگی روزمره به‌عنوان شاهد مثال برای بسیاری از موقعیت‌ها به‌کار برد. برای اینکه تمرین وقت کلاس را زیاد نگیرد به صورت پر کردن جای خالی و دو گزینه‌ای مطرح شده است. در تمرین سوم تشخیص نوع فعل نیز خواسته شده است تا گریزی به قواعد سال‌های گذشته نیز باشد.

﴿ تَرْجَمُهُ تَحْتَ اللَّفْظِ لِسَانَ صَدَقَ، زَبَانَ رَاسِطِ كَوَيْبِي أَسْتِ؛ أَمَّا مَنْظُورُ يَادِ نِيكُوسْتِ. ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ (الشُّعْرَاءُ / ۸۴) و برای من یاد نیکو در آیندگان قرار بده. یعنی کاری کن که نسل آینده پشت سر من خوب بگوید. احتمال دارد اطرافیان ما به خاطر پاره‌ای ملاحظات پرده‌پوشی کنند؛ آنچه مایه سربلندی است این است که آیندگان که فارغ از تعلقات و ملاحظات هستند پشت سر ما به نیکی یاد کنند.

﴿ وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴾ (الْمُؤْمِنُونَ / ۵۱)

و کار نیکو (درست) انجام دهید؛ زیرا من به آنچه انجام می‌دهید دانا (آگاه) هستم.

﴿ اِرْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مِنَ السَّمَاءِ. ۱۰۰ رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ ۱۰۰﴾

به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند. در این جمله احتمال دارد دبیر با دیدن فعل مضارع مجزوم يَرْحَمُ بپرسد که دلیل جزم چیست، دلیلش جواب طلب واقع شدن است. این عبارت در متوسطه اول آمده بود و دانش‌آموز به سادگی معنا می‌کرد. نیازی به توضیح دلیل جزم فعل نیست و اصلاً نباید وارد این بحث در کلاس شد.

﴿ مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ. ۱۰۰ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۱۰۰﴾

دو ترجمه برایش درست است.

هر کس دشمنی کاشت، زیان درو کرد. و هرکس دشمنی بکارد، زیان درو می‌کند. در چنین حالتی می‌توان از دانش‌آموز پرسید کدام ترجمه بهتر است؟ اما تأکید بر اینکه ترجمه ماضی حتماً باید مضارع التزامی باشد ضرورت ندارد. همان‌طور که می‌شود

تمرین ششم (در هر دو کتاب): هدف تقویت دو مهارت واژه‌شناسی و ترجمه است. طراح این سؤال در امتحان برای معلّم دشوار ولی برای دانش‌آموز پاسخ دادن به آن آسان است. این تمرین به لحاظ فنی بسیار سودمند است. شاید به نظر، طرح آن آسان باشد؛ ولی باید توجه داشت که طراح در گزینش کلمات و ساختار محدودیت دارد.

تمرین هفتم (در هر دو کتاب): هدف تشخیص اسم‌های مفرد مؤنث، مثنی مذکر، مثنی مؤنث، جمع مذکر سالم، جمع مؤنث سالم و جمع مکسر است. این تمرین ناظر به قواعد است. این قاعده در درس اول عربی هفتم آموزش داده شده است و در دو کتاب هشتم و نهم نیز تکرار شد. مجدداً این تمرین در کتاب عربی پایه دهم تکرار شده است تا کم کم ملکه ذهن دانش‌آموز گردد.

تمرین هشتم (در هر دو کتاب): هدف تشخیص وزن و حروف اصلی است که در درس دوم عربی پایه نهم آموزش داده شده است. داشتن وزن و حروف اصلی از ویژگی‌های بارز زبان عربی است. از آنجا که در عربی دهم آموزش مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه) وجود دارد، این یادآوری به فهم بهتر آن قواعد کمک می‌کند.

تمرین نهم (در هر دو کتاب): هدف این تمرین، تقویت مهارت واژه‌شناسی است. در همه زبان‌ها یادگیری متضاد و مترادف روشی تأثیرگذار در یادگیری زبان است. خوب است بدانید باهظ نیز به معنای گران است و کلمه شمال نیز علاوه بر یَسار به معنای چپ است.

از طراح این چنین سؤالاتی در امتحان خودداری شود:

مترادف کلمات داده شده را بنویسید: حَزین، مَسرور، رَقَدَ

متضاد کلمات داده شده را بنویسید: قَبیح، بدایة، راسِب

طرح سؤال لازم است بدین گونه باشد:

کلمات متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید. (راسِب/ مسموح/ یَمین/ یَسار/ ناجِح/

ممنوع)

کلمات مترادف را دو به دو کنار هم بنویسید. (وَرَد/ رجل/ امرأ/ زهر)

بین کلمات مترادف و متضاد علامت مناسب بگذارید: شِراء ... بَیْع والدة ... أُمُّ

تمرین دهم (در هر دو کتاب): هدف این تمرین، تقویت مهارت ساعت خوانی است. توجه داشته باشیم که ساعتی مانند ۱۰:۲۵ از اهداف آموزشی کتاب‌های متوسطه اول نبوده است.

ارزشیابی

در ارزشیابی از درس اول باید توجه داشت که همان‌گونه که از نام درس پیداست کلاً این درس ارزشیابی است و به ارزشیابی دوباره آن نیازی نیست. پس می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا در گروه‌های چندنفره آن را حل کنند، سپس رفع اشکال توسط معلم انجام شود، یا اینکه در منزل پاسخ دهند و در کلاس رفع اشکال گردد. انتظار نمی‌رود در عرض سه جلسه آموزشی در آغاز مهرماه کلاً مطالب عربی پایه هفتم، هشتم و نهم به اندازه کافی تکرار و تمرین گردد. در این درس فقط مهم‌ترین مطالب تکرار شده است و به تدریج در درس‌های دوم تا هشتم این تکرار درون متون، عبارات و تمرینات و در سال‌های آینده نیز انجام خواهد شد.

وسایل کمک آموزشی

شایسته است دبیران محترم از این وسایل کمک آموزشی در کلاس استفاده کنند: کتاب گویا، نرم‌افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف^۱، پاورپوینت، نمابندگ آموزشی، اسلاید، اعلان، فلش کارت

۱- آموزگاران، خبرنگاران و ... اینفوگرافیک را به‌عنوان یک توانایی یافته‌اند که در رساندن تندتر و تیزهوشانه‌تر مقاصدشان به مخاطبان آنها را یاری می‌رساند. اینفوگراف یک جهش دیداری در آموزش است. با تصویرسازی درست، افراد می‌توانند سریع‌تر و با پشتیبانی اطلاعات بهتر تصمیم‌سازی کنند.

اینفوگراف چیست؟ واژه اینفوگراف Infograph کوتاه‌شده Information Graphic است. امروزه اینفوگراف‌ها را بسیار در اطراف خود مشاهده می‌کنیم، نقشه‌ها و ارائه اطلاعات علمی، همه به نوعی از اینفوگراف به‌عنوان یک ابزار کارا استفاده می‌کنند. اینفوگرافیک نمایشگر تصویری اطلاعات و داده‌ها است.

مردم توجه کمتری به نوشته‌ها و متون دارند و تمایل برای صرف زمان بیشتر بر جنبه‌های بصری وجود دارد. استفاده از گرافیک‌های اطلاع‌رسان باعث می‌شود بیننده با نگاهی کوتاه حجم قابل توجهی از اطلاعات را که شکل نوشتاری آن ممکن است مقاله بلند بالایی را تشکیل دهد، به سادگی از طریق دیدن دریافت کند و حتی آن را به خاطر بسپارد.

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان (مولوی)

جدول صرف فعل مضارع در حالی که در آن به حروف مضارعه (بَدَتْ، نَبَتْ) و ضمایر متصل فاعلی و اعراب اصلی و فرعی رفع اشاره شده است زبان عربی را زبانی دشوار جلوه‌گر می‌سازد.

دانش‌آموز با دیدن جزوه‌ای که قواعد فعل مضارع را مفضلاً آموزش می‌دهد یادگیری زبان عربی را بسیار سخت می‌بیند؛ اما یک اینفوگراف او را کنجکاو و علاقه‌مند می‌سازد.

در یک اینفوگراف جملاتی مانند «الْأَعْبُ الْفَائِزُ يَرْفَعُ الْكَأْسَ.» دیده می‌شود که در کنار آن تصویر بازیکنی که جام پیروزی را بالا برده است. دانش‌آموز با دیدن جمله‌ها و تصاویر با ساختار فعل مضارع آشنا می‌شود.



ابْحَثْ فِي الْإِنْتِرِنْتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجِّمَهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيِّ.

هدف از این تمرین، تشویق دانش آموز به فعالیت و تحقیق است. نمره این بخش را می توان در امتحان مستمر اول و دوم حساب کرد. اجرای این بخش به داشتن وقت بستگی دارد. اگر دبیری زمان کافی در اختیار نداشت، در انجام دادن و ندادن این قسمت از کتاب درسی مختار است.

تصویر منظره ای زیبا و بکر از پشته آرشت نزدیک شهرک ولی عصر از توابع شهرستان بدره از استان ایلام است. بسیاری از مردم ایران از زیبایی های سایر استان ها بی خبرند.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

۱ اغْبَرَّارُ بر وزن اِفْعِلال است. اغْبَرَّارُ الْأَثَاثِ: اِنْتِشَارُ الْغُبَارِ عَلَيْهِ. اغْبَرَّ، يَغْبَرُّ، اغْبَرَّارًا: به رنگ تیره در آمد.

اغْبَرَّ الْيَوْمُ: گرد و غبار روز بسیار شد.

۲ واژه «تَرَجَّمَة» از ریشه فارسی «تَر زَبان» یا «تَر زَبان» است. تَرزبان مانند تردست است، تَرزبان که در عربی تَرجُمان شده و سپس بر وزن فَعَلَّلَة شده است، به کسی گفته شده که چند زبان را به آسانی بر زبان براند. زبان [ز / زُ] (اسم) معروف است و به عربی لسان گویند و به ضمّ اوّل هم درست است. (برهان قاطع)

۳ ذات، یعنی دارای. جمع ذات، ذَوَات است؛ ذات مؤنث ذو و مثنای آن ذَوَاتَا (ذواتان) است؛ ذَوَاتان دائم الاضافه است و بدون نون به کار می رود. «لَقِيْتَهُ ذَاتَ يَوْمٍ أَوْ ذَاتَ لَيْلَةٍ أَوْ ذَاتَ مَرَّةٍ»: او را یک روز یا یک شب یا آن بار دیدم. در اینجا ذات نایب مفعولٌ فيه است؛ به این صورت (لَقِيْتَهُ لُقِيَةً ذَاتَ يَوْمٍ وَ ذَاتَ لَيْلَةٍ وَ ذَاتَ مَرَّةٍ). در کتاب المنجد لَقِيَ يَلْقَى دوازده مصدر دارد. (!)

۴ ذاك اسم اشاره به متوسط، هذا اسم اشاره به نزدیک و ذلِكَ اسم اشاره به دور است.

۵ در قافیه شعر «ذاك هو الله» وقف شده است و به هنگام وقف حرف «ة» را «ه» تلفظ می‌کنند. به دو کلمه الشجره و قمره دقت کنید. اگر الشجره و قمره تلفظ شوند قافیه مختل می‌شود.

۶ قصیده متن درس اول رایشه است چون ه می‌تواند جزء قافیه باشد.

۷ در «ذاك هو الله» ذاك مبتدا، هو مبتدای دوم و الله خبر برای مبتدای دوم است. یا هو الله خبر برای ذاك است.

۸ در «كيف نَمَتَّ مِنْ حَبَّةٍ» كيف حال است و هي ذوالحال. مِنْ حبة متعلق به نَمَتَّ است.

۹ فَدْر فَاَبَحْتُ فاء نتیجه است.

۱۰ مِثْلُ در (قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرِّهِ؟) حال است و (ها) ذوالحال. مفعول به قُلْ جمله بعد از خودش است. «مَنْ ذَا» اسم استفهام است. «مَنْ ذَا» و «ماذا» مانند هم هستند. در جمله‌ای مانند «ماذا لَقِيْتِ؟» ذا می‌تواند اسم موصول باشد. «مَنْ ذَا: خبر مقدم» و «الَّذِي: مبتدا» است. يَخْرُجُ: صلة موصول و عائد: هو. می‌توان «مَنْ ذَا» را مبتدا و «الَّذِي» را خبر دانست.

۱۱ وزن شعر مُسْتَفْعَلُنْ مُسْتَفْعَلُنْ است. (- U - - - U - -) این وزن به صورت مَفَاعِلُنْ (U - U -) یا مُفْتَعَلُنْ (- U U -) هم امکان‌پذیر است.

۱۲ در جمله «إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ» دو وجه جایز است. وجه موجود و اینکه تُسَافِرُ مجزوم شود؛ اَمَّا چون شَاءَ ماضی است، همین وجه بهتر است.

۱۳ «لسان صدق» در ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ از باب مجاز مُرْسَل است. علاقتُهُ الآلية. اگر برای بیان یک چیز به بخشی از آن اشاره کنیم و منظورمان کل آن چیز باشد یا به عکس، به کلیتی اشاره کنیم و منظورمان جزء باشد، از آرایه بخش‌گویی استفاده کرده‌ایم. بخش‌گویی یکی از آرایه‌های ادبی کهن است و به آن مجاز مُرْسَل هم

گفته‌اند؛ مثلاً در جمله «احمدشاه قاجار تاج و تختش را از دست داد»، منظور آن است که سلطنتش را از دست داد. (جزء به کل). یا به عکس: اگر کسی از ما پرسید: «آیا به سفر می‌روی؟» و ما در جوابش بگوییم «باید با خانه هماهنگ کنم»، منظور ما از خانه همان افراد خانه است. (اراده کل به جزء). وقتی می‌گوییم «پدر، نان‌آور خانه است»، منظورمان از نان، روزی است و نان، در واقع بخشی از آن به شمار می‌آید. یا وقتی می‌گوییم که «هزاران دیده، نگرانِ اوست»، منظورمان هزاران انسان است و «چشم» که بخشی از یک انسان است را برای اشاره به انسان به کار برده‌ایم. در «فکر نانت را بکن، که خربزه آب است» منظور از «نان» کسب‌وکار و روزی و هر چیزی است که اصل است، و «خربزه» به‌جای هر چیزی که فرعی و یا تفتنی است قرار می‌گیرد.

۱۲ ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ از خداوند تعالی می‌خواهد تا برای او در آینده فرزندی قرار دهد که یاد نیکوی او باشد؛ یعنی مانند زبان خود او خواسته‌های وی را بیان کند، و خداوند در آخر الزمان کسی را برمی‌انگیزد که به دعوت او به پا خیزد و مردم را به کیش و ملت او یعنی دین توحید دعوت نماید. برخی مفسران گفته‌اند: مراد از (لسان صدق) بعثت خاتم الانبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و از خود آن حضرت هم روایت شده که فرمود: من دعای پدرم ابراهیم هستم. بعضی دیگر نیز آن را به معنای این دانسته‌اند که خداوند ذکر جمیل و ستایش نیکوی او را تا قیامت باقی بگذارد و خداوند هم دعای او را برآورده کند و اهل ایمان همواره از ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ به‌عنوان قهرمان توحید یاد می‌کنند.

۱۵ «أَبْدَأُ» در جمله «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا.» مفعول فیه است.

۱۶ در جمله «إِذَا مَلَكَ الْأُرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْضَالُ.» فعل‌های ملك و هلك را می‌توان به دو صورت ماضی و مضارع ترجمه کرد؛ همان‌گونه که در عربی گاهی ماضی به معنای مضارع است، در فارسی نیز این قاعده می‌تواند مصداق داشته باشد. پدر خانواده به پسرش می‌گوید: برو نان بخر. پسر فراموش می‌کند. بار دوم تکرار می‌کند، پسر نمی‌رود. بار سوم پدر با تندی دستور می‌دهد و پسر در حالی که هنوز نرفته است

می‌گوید: رفتیم. در اصطلاح می‌گویند ماضی محقق الوقوع. در ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾ نیز فعل ماضی است، ولی معنای مستقبل دارد.

۱۷ «لَوْ» در «اطلبوا العلم ولو بالصین» به معنای «اگر» است و فرق آن با «إِنْ» این است که لَوْ برای گذشته است. لَوْ ذَهَبَتْ إِلَى الْحَدِيقَةِ لَوَجَدَتْ. در این جمله وَجَدَتْ معنای ماضی ساده ندارد. اگر به باغ رفته بودی، می‌یافتی.

۱۸ ذات در «مِنِ الْمَلْبَسِ النَّسَائِيَةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ» صفت است.

۱۹ سند حدیث «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ طَنَطَنَاتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ». از پیامبر اسلام ﷺ عیون أخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۵۱، ح ۱۹۷ - امالی (صدوق) صفحه ۳۰۳

۲۰ سند حدیث «ارحم من فی الأرض یرحمک من فی السماء» از پیامبر اسلام ﷺ من لایحضره الفقیه، جلد ۴، صفحه ۳۷۹

۲۱ از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» (مستدرک الوسائل، جلد ۱، صفحه ۱۴۶) و (من لایحضره الفقیه، جلد ۳، ۱۵۶)

۲۲ «انظر إلى ما قال و لاتنظر إلى من قال» از امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ غرر الحکم و درر الکلم، ح ۵۰۴۸

۲۳ «من زرع العدوان حصد الخسران» از امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ غرر الحکم و درر الکلم، ۴۶۱

۲۴ درباره حدیث «اطلبوا العلم ولو بالصین» اختلاف نظر وجود دارد. با اندک اندیشه‌ای می‌توان دریافت که حدیث مزبور را به دو گونه می‌توان معنا کرد:



الف) دانش را بجوید حتی اگر لازم باشد تا دورترین نقاط عالم سفر کنید. این معنا فقط حاوی این نکته است که بُعد مسافت و مشقت داشتن نباید مانع از علم آموزی شود.

دانش را بجوید حتی اگر خاستگاه تولید آن چین - که کشوری مشرک است - باشد. متن کامل این حدیث در مصباح الشریعة چنین است: «اطلبوا العلم و لو بالصین و هو علم معرفة النفس و منه معرفة الرب»؛ دانش را بیاموزید، گرچه در چین باشد. این دانش، معرفت نفس است که از او معرفت خداوند حاصل می‌شود. در صدر اسلام، کشور چین به‌عنوان نمادی از دوری راه مطرح بوده است و تعبیر «ولو بالصین» صرفاً بیانگر دوری راه است و نه نمادی از بلاد کفر؛ و مفهوم روایت «اطلبوا العلم ولو بالصین» این است که اسلام برای آموختن علم مشروع و حقیقی چنان اهمیتی قائل است که اگر برای آموختن آن طی مسافتی دوردست نیز لازم باشد، باید برای کسب آن تلاش کرد و دوری راه، چنین تکلیفی را از دوش انسان بر نخواهد داشت. آنچه تفسیر فوق را در مورد «ولو بالصین» تأیید می‌کند، روایتی از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: اطلبوا العلم ولو بخوض اللجج. دانش بیاموزید، اگرچه با رفتن به اعماق دریاها باشد. بدیهی است تعبیر «ولو بخوض اللجج» هیچ خصوصیتی جز آنکه بیانگر اهمیت علم‌آموزی است، ندارد.

۲۵ «الْكَلامُ كَالدَّواءِ. قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ.» أميرُ المؤمنین علی علیه السلام غرر

الحکم و درر الکلم، ۲۱۸۲

۲۶ إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. نهج البلاغة، حکمت ۱۱



الدَّرْسُ الثَّانِي

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست قرائت و ترجمه کند.
- ۲ معنای کلمات جدید درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۳ پیام متن را درک کند.
- ۴ برخی احادیث ساده درس را حتّی الامکان از حفظ بگوید و نمونه‌هایی در عمل کردن به مصادیق آن ذکر کند.
- ۵ عددهای یک تا صد را به صورت تنها و بدون محدود از حفظ بگوید.
- ۶ عددهای ترتیبی یکم تا بیستم را از حفظ بگوید.
- ۷ بداند که گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می‌دهد.
- ۸ شبیه متن مکالمه درس (جَوَارٌ بَيْنَ زَائِرِينَ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ) را در کلاس به همراه هم‌کلاسی‌هایش اجرا کند.

فرایند آموزش

متن درس دوم عربی زبان قرآن (۱) درباره المواعظ العددية است. سخنان گوهربار پیامبر اسلام ﷺ که دربرگیرنده عدد است متن درس دوم شده است. المواعظ العددية نام کتابی ارزشمند نوشته علامه عاملی است که احادیث بسیاری را گردآوری کرده که در آنها عدد به کار رفته است. موضوع قواعد درس دوم با ساختار متن درس سازگار است. اما متن درس دوم عربی تخصصی به نام «إِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ» درباره احترام به وسایل عمومی و محیط‌زیست است. دبیر محترم می‌تواند گریزی کوتاه به این موضوع بزند به گونه‌ای که وقت کلاس گرفته نشود.

بلافاصله پس از همه درس‌های کتاب عربی دهم درک مطلب آمده است.

أَلْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

﴿الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَ ظُلْمٌ يَغْفِرُهُ، وَ ظُلْمٌ لَا يَتْرُكُهُ. فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشِّرْكَ. قَالَ اللَّهُ: ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ أَنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ رَبِّهِمْ، وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَتْرُكُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا.

ستم سه گونه است: ستمی که خدا نمی‌آمرزد و ستمی که می‌آمرزد و ستمی که آن را رها نمی‌کند. اما ستمی که خدا آن را نمی‌آمرزد شرک است. خداوند فرموده است: قطعاً شرک ستمی بزرگ است. اما ستمی که آن را خدا می‌آمرزد ستم بندگان به خودشان میان خودشان و پروردگارشان است و اما ستمی که خدا آن را رها نمی‌کند ستم بندگان به یکدیگر است.

﴿سَبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، أَوْ أَجْرَى نَهْرًا، أَوْ حَفَرَ بَيْرًا، أَوْ عَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَثَ مُصْحَفًا، أَوْ تَرَكَ وَكْدًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

پاداش هفت [چیز] در حالی که پس از مرگش در گورش است برای بنده جاری است: هرکس دانشی را یاد داد، یا جویی را روان کرد، یا چاهی را کند، یا نخلی را کاشت، یا مسجدی ساخت، یا قرآنی به ارث گذاشت، یا فرزندی به جا نهاد که پس از مرگش برایش درخواست آمرزش کرد.

این ترجمه هم درست است: ... هرکس دانشی را یاد دهد یا جویی را روان کند یا چاهی را حفر کند یا نخلی را بکارد یا مسجدی بسازد یا قرآنی به ارث بگذارد یا فرزندی به جا نهد که پس از مرگش برایش درخواست آمرزش کند.

﴿جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِثَّةَ جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةَ وَ تِسْعِينَ جُزْءًا وَ أَنْزَلَ فِي الْأَرْضِ جُزْءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَاخَمُ الْخَلْقُ.

خدا مهربانی (رحمت) را صد بخش قرار داد و نود و نه بخش را نزد خود بگرفت

و یک بخش را در زمین فرود آورد، از همان بخش آفریدگان به هم مهربانی می‌ورزند.
 ﴿إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْاِثْنَيْنِ، وَ طَعَامَ الْاِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَ الْأَرْبَعَةَ، كُلُوا
 جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.﴾

قطعا خوراک یک تن برای دو تن بسنده است و خوراک دو تن برای سه تن و چهار
 تن بس است، همه با هم بخورید و پراکنده نشوید؛ زیرا برکت با جماعت است.
 ﴿اِنَّانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَ ثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اِثْنَيْنِ وَ اَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ.﴾
 دو تن از یک تن بهتر و سه تن از دو تن بهتر و چهار تن از سه تن بهتر است؛ بر شما
 لازم است در جمع باشید.

﴿مَنْ اَخْلَصَ لِلَّهِ اَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلٰى لِسَانِهِ.﴾
 هرکس چهل بامداد برای خدا خالص شد. (پاکی نیت و رزید / خالص شود، پاکی نیت
 و رزد) چشمه‌های دانش (حکمت) از دلش (قلبش) بر زبانش آشکار شود. (ظاهر شود)
 ﴿اَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَ الْوَجْعُ وَ الْعِدَاوَةُ وَ النَّارُ.﴾

چهار چیز اندکش بسیار است: مستمندی (فقر)، درد، دشمنی و آتش.

﴿اَلْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ اَجْزَاءٍ تَسَعَةُ اَجْزَاءٍ فِي طَلْبِ الْحَلَالِ.﴾

پرستش (عبادت) ده بخش است، نه بخش در جستن (طلب) حلال است.

﴿اِذَا كَانَ اِثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا.﴾

هرگاه دو تن در گوشی راز می‌گفتند میانشان داخل نشو.

هماهنگی در ترجمه متن درس دوم عربی تخصصی رشته علوم انسانی

«إِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَطَعًا شَمَا مَسْئُولٌ هَسْتِيدُ.

﴿كَانَتْ سُمِّيَّةُ بِانْتِظَارِ وَالِدَتِهَا لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ؛ سَمِيَّةُ

پس از پایان ساعت کار مدرسه برای بازگشت به خانه منتظر مادرش بود.

﴿وَ كَانَتْ حُجْرَاتُ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقَةً، وَ مَا بَقِيَ فِي الْمَدْرَسَةِ إِلَّا جَمْعٌ قَلِيلٌ مِنْ زَمِيلَاتِهَا؛

و کلاس‌های (اتاق‌های) مدرسه بسته بود، و کسی جز عده کمی از هم‌کلاسی‌هایش در

مدرسه نبود. (و فقط عدّه کمی از دانش‌آموزان در مدرسه بودند. توضیح اینکه ترجمه دوم هرچند درست است، ولی باید توجه داشت که هنوز آموزش داده نشده است که این‌گونه نیز می‌توان ترجمه کرد.)

﴿ وَ كَانَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرُعَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ؛ و مدیر مدرسه و برخی از معلّم‌ها منتظر بودند (انتظار می‌کشیدند) که مدرسه از دانش‌آموزان خالی گردد.﴾

﴿ عِنْدَيْدٍ سَمِعَتْ سُمَيَّةُ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ، وَ شَاهَدَتْ الْمَصَابِيحَ مِنَ النَّوَافِذِ؛ در این هنگام سمیه صدای کولر را از یکی از اتاق‌ها شنید، و چراغ‌ها را از پنجره‌ها دید.﴾

﴿ فَظَنَنْتُ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفِّ آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حُرًّا؛ وَ عِنْدَمَا نَظَرْتُ بِدِقَّةٍ، وَجَدْتُ الْحُجْرَةَ فَارِعَةً؛ گمان کرد که دانش‌آموزان کلاسی دیگر در کلاس تقویتی‌اند، یا مشغول فعالیت آزادند؛ و آنگاه که با دقت نگاه کرد، اتاق را خالی یافت.﴾
 ﴿ حَاوَلْتُ فَتْحَ الْبَابِ، فَوَجَدْتُهُ مُغْلَقًا فَذَهَبْتُ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ، وَ أَخْبَرْتُهَا بِمَا شَاهَدْتُ، فَشَكَرَتْهَا الْمُدِيرَةُ، وَ طَلَبْتُ مِنَ سُمَيَّةِ إِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ؛ سعی کرد در را باز کند، و آن را بسته یافت و در نتیجه به سوی مدیر رفت و او را از آنچه دیده بود باخبر کرد، مدیر از او تشکر کرد و از سمیه درخواست کرد (خواست) چراغ‌ها و کولر را خاموش کند.﴾

﴿ عِنْدَيْدٍ شَاهَدَتْ الْمُدِيرَةُ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةَ؛ كَانَتْ الطَّالِبَةُ تَذْهَبُ لِإِغْلَاقِ حَفَافَةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا؛ در این هنگام مدیر دانش‌آموزی به نام فاطمه را دید؛ این دانش‌آموز [داشت] برای بستن شیر آبی که کمی باز بود می‌رفت.﴾

﴿ وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِيِ، شَكَرْتُ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ فِي الْإِضْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ سُمَيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لِاهْتِمَامِهِمَا بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ؛ و در صبح روز بعد، مدیر مدرسه در صف صبحگاه از سمیه و فاطمه به خاطر توجه آنها به تأسیسات عمومی سپاسگزاری کرد.﴾

﴿ وَ فِي حِصَّةِ الْعُلُومِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ، قَامَتْ رُقَيْةٌ وَ سَأَلَتْ الْمُدْرَسَةَ؛ و در زنگ دانش اجتماعی سمیه برخاست و از معلّم پرسید:﴾

﴿ مَا الْمَقْصُودُ بِالْمَرَاقِ الْعَامَّةِ الَّتِي تَكَلَّمَتِ الْمُدِيرَةُ عَنْهَا هَذَا الصَّبَاحَ؟ ﴾ منظور از

تأسیسات عمومی ای که خانم مدیر امروز صبح درباره اش صحبت کرد چیست؟

﴿ فَأَجَابَتْ: «الْمَرَاقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ

جَمِيعًا. إِذَا فَهَمْتِ مَعْنَاهَا، فَادْكُرِي لَنَا أَمْثِلَةً لِلْمَرَاقِ الْعَامَّةِ»؛ وی پاسخ داد: تأسیسات عمومی جاهایی است که دولت مالک آن است، و همه مردم از آن سود می‌برند. اگر

(هرگاه) معنایش را فهمیدی برایمان برای تأسیسات عمومی مثال‌هایی ذکر کن.

﴿ أَجَابَتْ رَقِيَّةُ: «الْمَدَارِسُ وَ الْهَوَاتِفُ الْعَامَّةُ وَ الْمُسْتَشْفَيَاتُ وَ الْمُسْتَوْصَفَاتُ وَ

الْمَتَاحِفُ وَ الْمَكْتَبَاتُ وَ دَوْرَاتُ الْمِيَاهِ وَ الْحَدَائِقُ الْعَامَّةُ وَ الْأَشْجَارُ عَلَى الرَّصِيفِ وَ أَعْمِدَةُ الْكَهْرَبَاءِ ...»؛ رقیه پاسخ داد: مدرسه‌ها، تلفن‌های عمومی، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها،

موزه‌ها، کتابخانه‌ها، سرویس‌های بهداشتی، بوستان‌های عمومی، درختان کنار پیاده‌رو و تیرهای برق ...

﴿ أَجَابَتِ الْمُدْرَسَةُ: «أَحْسَنْتِ، وَ الْحِفَاظُ عَلَى هَذِهِ الْمَرَاقِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ»؛

خانم مدیر پاسخ داد: آفرین بر تو و نگهداری از این تأسیسات بر هر شهروندی (هم‌میهنی) واجب است.

﴿ سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعَجُّبٍ: «لِمَ وَ كَيْفَ؟! ذَلِكَ وَاجِبُ الدَّوْلَةِ»؛ دختران دانش‌آموز

(دانش‌آموزان) با شگفتی پرسیدند: چرا و چگونه؟! این (آن) وظیفه دولت است.

﴿ قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ: «بَلْ هِيَ مَسْئُولِيَّةٌ مُشْتَرَكَةٌ، فَسُمِّيَتْ الَّتِي قَامَتْ بِإِطْفَاءِ الْمَكْيِيفِ وَ

الْمَصَابِيحِ فِي حُجْرَةِ الْمَدْرَسَةِ»؛ خانم معلم گفت: البته که مسئولیتی مشترک است، سومیه که به خاموش کردن کولر و چراغ‌ها در کلاس (اتاق) مدرسه اقدام کرد؛

﴿ وَ فَاطِمَةُ الَّتِي أَغْلَقَتْ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ وَ الطَّالِبَةُ الَّتِي تَدْخُلُ مَكْتَبَةَ الْمَدْرَسَةِ فَتُحَافِظُ

عَلَى الْهُدُوءِ فِيهَا وَ عَلَى نِظَافَةِ الْكُتُبِ وَ تَرْتِيْبِهَا؛ و فاطمه که شیر آب را بست و دانش‌آموزی که وارد کتابخانه مدرسه می‌شود و آرامش آن و پاکیزگی کتاب‌ها و ترتیب

آنها را حفظ می‌کند؛

﴿ وَ تِلْكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النُّفَايَاتِ فِي غَيْرِ مَكَانِهَا بِكَلَامٍ طَيِّبٍ؛ هُوَ لِإِيَّائِهِمْ يَعْْمَلْنَ

بِوَأْجَابَتِهِنَّ كَمُوَاطِنَاتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسْئُولِيَّةِ»؛ و آن [دانش‌آموزی که] کسی را که زباله را در غیر جای مناسب می‌اندازد با زبانی خوش نصیحت می‌کند؛ اینها مانند شهروندانی

که احساس مسئولیت می‌کنند به وظیفه‌شان عمل می‌کنند.

﴿ قَامَتْ سُمَيَّةُ وَ قَالَتْ: «أَلَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَةُ لَوْحَةٍ جِدَارِيَّةٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا هَذَا الْحَدِيثُ الشَّرِيفُ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ؛ سَمِيَهُ بَرَخَاسْتِ وَ كَفْت: أَيَا مَنَاسِبِ نِيَسْتِ كِه يِك تَابَلُوي دِيوَارِي نُوَشْتِه شُود كِه رُوي آن اِين حَدِيثُ شَرِيفُ از حَضْرَتِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نُوَشْتِه بَاشَد: قَطْعاً شَمَا مَسْئُولُ هَسْتِيد حَتَّى دَر مُورِد زَمِينِهَا وَ چَارِپَايَان.

﴿ قَبِلَتْ الْمُدْرَسَةُ وَ قَالَتْ: «هَذَا الْاِقْتِرَاحُ حَسَنٌ، وَ سَتَتَعَاوَنُ جَمِيعاً عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ»؛ خانم معلم پذیرفت و گفت: این پیشنهاد، خوب است و همگی برای عمل به این حدیث شریف همیاری می‌کنیم.

بخش درک مطلب

یک هدف اولیه دارد که همان‌گونه که از نامش پیداست درک معنای عبارت و متن است، اما همچنان هدف مهم قرائت مد نظر است. باید دانش آموز عبارت‌ها را با صدای بلند بخواند و پاسخ درست و نادرست را مشخص کند. پاسخ‌ها در عربی زبان قرآن به ترتیب عبارت‌اند از: درست، نادرست، درست، نادرست و نادرست. و در کتاب رشته انسانی به ترتیب عبارت است از: درست، نادرست، درست، نادرست و نادرست.

«اعلموا»

در بخش «اعلموا» مبحث عددهای اصلی یک تا صد و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم مطرح شده است. بحث تطابق عدد و معدود از اهداف کتاب نیست. مسلم است که دانستن این ظرایف برای مخاطب عرب ساکن در کشور عربی، یا دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب لازم و عدم رعایت قواعد عدد و معدود خطایی بزرگ است، ولی برای دانش آموز دوره دوم متوسطه آموزش اینها مطلوب نیست.

دانش آموز کم کم با خواندن عبارات و متون این قواعد را کشف می‌کند و در صورتی که نیاز داشته باشد در پی کشف قاعده آنها بر می‌آید. در صورت علاقه‌مندی می‌توان منابع سودمندی را در این زمینه در اختیار او نهاد.

عدد مئة به صورت مائة و مائة نیز نوشته می‌شود. در صدر اسلام که الفبای عربی بدون نقطه و علامت بوده برای اینکه مئه و منه با هم اشتباه نشود، مئه را مائه نوشتند و بعد از نهادن نقطه و دیگر نشانه‌ها همچنان این کلمه با الف زائد نوشته شده است. گاهی خمسمئة را خمس مئة نوشته‌اند؛ اما بهتر است که سرهم نوشته شود؛ زیرا امکان دارد خواننده تصور کند که خمس مئة به معنای پنج تا صد است نه پانصد، یا خمس مئة (یک چهارم صد) بپندارد.

هرچند عدد ده را نیز در گروه عقود نوشته‌اند، ولی از آنجا که به لحاظ ساختاری فرق دارد در کتاب درسی این کار صورت نگرفته است.

فَنّ التَّرْجِمَةِ

در اینجا دانش آموز می‌آموزد که گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می‌دهد. او در درس انگلیسی و فارسی نیز مشابه این مورد را آموخته است؛ مثلاً put یعنی گذاشتن ولی put on یعنی پوشیدن. در زبان فارسی معنای آمد و درآمد فرق دارد. مثال‌های درس از آیات قرآن برگزیده شده است تا قاعده درس در زندگی برایش بهتر نمود پیدا کند.

مکالمه

این بخش دانش آموز را با نحوه صحیح گفت‌وگو و اصطلاحات کاربردی و سودمند آشنا می‌کند. تمام مکالمات هدفمند و سودمند است و در زندگی برای یادگیرنده مفید خواهد بود.

تمرین‌ها

تمرینات این درس نیز مانند درس اول کوتاه و ساده‌اند؛ تا دانش آموز با حل تمرین بتواند خود را بیازماید و آموخته‌هایش را تثبیت کند.

سعی شده است حتی‌الامکان در تمرینات کلمه جدیدی به کار نرود. تمرینات باید در کلاس به صورت گروهی پاسخ داده شود تا دانش آموز کار گروهی را یاد بگیرد؛ آنگاه دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را می‌خوانند و دبیر رفع اشکال می‌کند.

تمرین اوّل (در هر دو کتاب): هدف کاربرد اعداد در قرآن و حدیث است. جمله شماره ۵ علاوه بر اینکه مربوط به عدد است به قاعده‌ای که در بخش فنّ ترجمه آمد، نیز اشاره دارد. فراگیر اکنون در این تمرین می‌تواند آموخته خویش را ملکه ذهن کند.

تمرین دوم و سوم (در هر دو کتاب): نظر به اهمّیت مبحث عدد این تمرین‌ها طرّاحی شده است. در اینجا تنوّع در طرّاحی تمرین به کار رفته است.

تمرین چهارم (در عربی مشترک): هدف تمرینی بر اعداد یک تا صد است.

تمرین چهارم (در عربی انسانی): هدف تقویت مهارت شناخت واژگان است.

تمرین پنجم (در هر دو کتاب): هدف تثبیت آموخته‌ها با استفاده از عباراتی در قرآن و حدیث است. این شیوه طرّاحی تمرین القاگر این هدف است که همانا هدف اصلی یادگیری زبان عربی فهم بهتر قرآن و متون دینی است.

تمرین ششم (در هر دو کتاب): هدف یادآوری آموخته‌های دانش آموز در ضمیر و فعل است. این تمرین چند بار دیگر در سه کتاب دوره اوّل متوسطه نیز طرح شده بود.

تمرین هفتم (در هر دو کتاب): هدف اصلی ایجاد علاقه به درس عربی است. هرچند عبارات‌ها اطلاعات عموم نیز هستند و دانستن آنها خالی از لطف نیست؛ امّا هدف اصلی این است که تنوّعی در تمرینات کتاب وجود داشته باشد. استفاده از جاذبه تصویر با هدف زیباسازی کتاب انجام شده است. امّا در این کار تفاوت اساسی بین دوره اوّل و دوم متوسطه وجود دارد.

تمرین هشتم (در کتاب مشترک عربی زبان قرآن): هدف تقویت مهارت شناخت عدد و ساعت خوانی است. در اصل هدف همان تمرین عدد است. امّا به منظور ایجاد تنوّع تمرین متفاوت با سایر تمرین‌هاست.

تمرین هشتم (در عربی انسانی): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی و درک مطلب است.

تمرین نهم (در عربی انسانی): هدف تثبیت آموخته‌های دانش آموزان

تمرین هشتم (در عربی انسانی): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی و درک مطلب

است.

أنوار القرآن: آیات برگزیده از معروف‌ترین و کاربردی‌ترین آیات قرآن و دربرگیرندهٔ واژگانی هستند که دانش‌آموز تاکنون در کتاب‌های عربی مشاهده کرده است. از این آیات می‌توان به‌عنوان شاهد مثال استفاده کرد. اجرای این تمرین به‌عنوان کار در منزل است و اگر دبیر تشخیص دهد که وقت کافی دارد و می‌تواند در کلاس حل کند، اختیار اجرای این کار را دارد. این تذکر برای تمام بخش‌های کتاب درسی تحت این عنوان است.

البحث العلمی (پژوهش)

در انتهای هر درس این بخش نهاده شده است و دبیر علاقه‌مند می‌تواند در صورت داشتن زمان کافی دانش‌آموزان را به پژوهش تشویق کند. بدیهی است که در دروسی مانند عربی و انگلیسی نظر به اینکه زبان این درس‌ها فارسی نیست آزادی عمل وجود ندارد.

ارزشیابی

دبیر، جدولی در اختیار دارد و هر بار که دانش‌آموزی جمله‌ای را می‌خواند علامت می‌زند تا همه بخوانند و عدالت آموزشی در پاسخ‌ها رعایت شود. هرچند گاهی دبیر برای آسان‌بودن آموزش از برخی دانش‌آموزان مستعد استفاده می‌کند؛ اما باید توجه کرد که زیاده‌روی در این کار موجب ناراحتی سایر دانش‌آموزان و ایجاد حس ناخوشایند نسبت به دانش‌آموز فعال می‌شود.

وسایل کمک آموزشی

کتاب گویا، نرم‌افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف، پاورپوینت، نماهنگ آموزشی، اسلاید، اعلان، فلش کارت